



روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

خامل ، کلیه قوانین مصوبه و مقررات - آگهی های رسمی و قانونی

شماره ۴۳۴۴

شنبه ۱۶ دی ماه ۱۳۲۸

سال پانزدهم

شماره مسلسل ۳۶۵ دوره نوزدهم مجلس شورای ملی

مذکرات مجلس شورای ملی

جلسه ۱۳۶۵

صورت مشروح مذاکرات مجلس

روز پنجشنبه نهم دیماه ۱۳۲۸

فهرست مطالب :

- ۱) طرح صورت مجلس
- ۲) بیانات قبل از دستور - آقایان : موسوی ، مسعودی ، صدرزاده ، بزرگ ابراهیمی
- ۳) تقدیم یکگفته سؤال بوسیله آقای عربشیبانی
- ۴) اعلام تصویب صورت مجلس
- ۵) مذاکره در گزارش شوروم که پیوسته دادگستری راجع بر روابط مالک و مستاجر از ماده ۱۲ تا ماده ۱۸
- ۶) تعیین موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس یکساعت و بیست دقیقه پیش از ظهر برپاست
آقای مناد ترتیبی (نایب رئیس) تشکیل گردید

۱- طرح صورت مجلس

نایب رئیس - صورت غائبین جلسه پیش فراغت میشود .
(بشرح زیر فراغت شد)
غائبین با اجازه آقایان : پردلی ، کدیور ، باقری شاهی ، امید سالار ، مشار ، نقی الاسلامی ، قبادیان ، دیبیم ، امید ، بیات ما کو ، اورنگ ، حکیمی ، جلیلووند ، سلطان مراد بختیار ، قراقرز ، مهندس ، فیروز ، دکتر عبید ، صادق پوشهری ، دهقان ، سندی ، دولت شاهی ، موسوی

۱- فنات آبادی ، حشمتی ، پرورد امام ، عرب شیبانی ، آقایان ، فولادوند ، غائبین بی اجازه - آقایان : دکتر طاهری ، قرشی ، پرورد ، کوزس
نایب رئیس - نسبت بصورت جلسه اعتراضی نیست؟ آقای پرورد بفرمائید
پرورد - بنده قبل از عزیمت بهوزه انتهایبیم تقاضای مرخصی کرده بودم بنده را جزء غائبین منظور داشته اند
نایب رئیس - بعد از تصویب کمیسیون محاسبات اصلاح می شود. آقای صدرزاده
صدرزاده - در بیانات جلسه گذشته

بنده اشتباهانی هست اصلاح می کنم میبدم
بیتد نویسی
نایب رئیس - بسیار خوب اصلاح می شود پس از حصول اکثریت تصویب صورت جلسه اعلام خواهد شد
۳- بیانات قبل از دستور
آقایان موسوی - مسعودی
صدرزاده - بزرگ ابراهیمی
نایب رئیس - نطقهای قبل از دستور شروع می شود. آقای موسوی

موسوی - همکار محترم آقای مهندس سلطانی در چند جلسه قبل بنابه اموریست از طرف مردم خوزستان در موضوع وضعیت تأسیف آوردن و طرز رفتار ناخوشایند مأمورین عراق نسبت به مردم معصوم خوزستان مطالبی برای استحضار آقایان همکاران و جلب توجه دولت بیان داشتند ، مطالب ایشان مورد تأیید و تحسین مردم خوزستان واقع و چون مکتوبات و عقاید مردم را بیان داشته بودند (چند نفر از نمایندگان - مال همه ملت بود) صحیح است ، تذکراتی بیانات ایشان را تأیید و از ایشان اظهار امتنان کرده اند و این تذکرات را به مقام محترم راست تقدیم میکنم اما چون در روز از تاریخ عرض آن مطالب گذشته و هنوز برای مامعوم نشده که از طرف دولت چه اقداماتی برای استیفای حقوق ملت ایران و برای انتقام خون بی گناهان خوزستانی بعمل آمده است و بنا اگر اقداماتی بعمل آمده است برای مامعوم نیست بنابه اموریست از طرف مردم خوزستان برای بنده لازم شده است مطالبی مجدداً عرض آقایان بر سر نامزد دولت تقاضای توجه لازم و عاجل میکنم (صحیح است)

آقایان محترم در مورد جریان سیاست روز آگاهی و آشنائی کامل دارند ولی من بلحاظ تکلیف نمایندگان خوزستان و مراجعات هم روز و داسی که از طرف طبقات مختلف ساکنان آن مرز و بوم میشود وظیفه خود میدانم که در این جایگاه مقدس

احساسات و اراده مردم را بیان کنم
همکاران ارجمند بطوریکه همه میدانند هیچ دولتی در عالم وجود ندارد که مانند ملتین ایران و عراق تا این درجه سابق تاریخی و روابط معنوی و برادری باهم دارا باشند (صحیح است) ایرانی وقتی عراق عرب میرفت گمان میکرد که بهانه خود درفته است و هیچگاه خویشان را در غربت تصور نمیکرد هیچکدام از ماها نیست که صدها نفر بلکه بیشتر کس و کار خویشاوند و طایفه در آنجا نداشته باشیم عراقی هم که با ایران می آید شاید هزار ها نفر آنها یکی دو نفرشان به هم مانده اند بر رویه بقیه بهانه های خود یعنی بر برادران و کسانشان وارد میشوند (صحیح است)

ماه تنها اختلافی با ملت عراق نداریم بلکه ما هم برادریم و از دل و جان پشتیبان هم دیگریم و حتی با دیگر برادران مسلمان عرب خود را جدا نمیشناسیم چه تا هر جا قرآن حکومت میکند خانه مسلمان است (صحیح است)
محکم مصکم آسمانی (الله مؤمنون اخوه) و فرمان (وطن الاسلام الاسلام) مرزهای سیاسی و اصول جاریه معمول ما را از هم جدا نمیسازد ، گروهی نادان و مرضی بالفتکاری هایل و مزاجی عصبانی امنیت مملکت خود را بر باد داده و مشعل بدست کشور خود را به آتش میکنند
آنها را پس نیست که بسروقت برادران دیگر خود آمده و چوپایان و دهقانان خوزستانی را بقتل رسانند
ما تصور میکنیم ارتش بنی امیه پس از فتن زاری رسول اکرم باز گشت کرده بالا اقل بازماندگانی از آنها بمانند است متأسفانه در محمل معلوم شد که بازماندگان آنها از پدران خود سبقت گرفته اند
مطابق اطلاعات موثق که سند آنرا به مقام محترم ریاست تقدیم میدارد ملت نجیب و مسلمان عراق از اینگونه اعمال و

آینده در ظرف ده سال بعد از اینکه در هر نقطه ای جمعیتش اضافه شد آنوقت یک نفر مرتبه این اشتباه حاصل شد در یک جلسه ای در حضور جناب آقای سردار فخر منعقد شد ما در آنجا همین مطالب را تذکر دادیم و مورد قبول واقع شد یعنی در آن موقع وزارت کشور تصدیق بر عهد آقای دکتر جلالی بود من نمیدانم چهارم شده است که در مرتبه این اشتباه تکرار شده است منظور قانونگذار و نگارگر این بود که یک عده بیشتر متور الفکر مجلس راه بایند تا در امور مملکت شرکت داشته باشند و من نمیدانم چطور میشود اینها را نظر این اصل قانون اساسی اینطور اظهار نظر شده است چون من یقین ندارم این است که از جناب آقای دکتر کبان معاون محترم نخست وزیر که در اینجا حضور دارند و خود نیز در مجلس هم بوده اند و بطرز انکار مجلسیان کمال آشنائی را دارند این مطلب را مورد توجه قرار بدهند که این اشتباه از همین حالا رفع شود و ما محتاج بیخنی در این باب نشویم و این جدولی را که میخواهند تهیه کنند بیاخذ دو دست نفر باید تهیه کنند و این اشتباه را اگر بکنند بقانون اساسی و تصدیقات کنگره اطمینان خواهند زد مخصوصاً که از شهرستانها به هم نمایندگان تذکر داده شد و از جمله در فارس ما نسبت بشهرستان داراب و کلاردون و لنگه یک تذکرانی داده شده نامهائی نوشته شده و تلگرافائی شده که باید برای آنها نماینده منظور شود برای آنها تقابل عده بهیچوجه صلاح نیست نکته دیگری که میخواستم عرض کنم این است که در روزنامه اطلاعات هم یک تقاضائی از طرف دانشجویان مقیم آلمان شده بود که شیرنگار روزنامه اطلاعات اعلام کرده بود من این را هم خواندم و لازم دانستم که با اطلاع آقایان برسانم اینها عده ای هستند که میکنند ما کومکمی از دولت دریافت نمیکند و در آنجا مجبوریم بر زمین روزانه در مملکت در کجاها کار کنیم و مهاجر همیشه روزانه خودمان را بدست بیاریم و تصدیقات خودمان را ادامه بدهیم چون ما که الان تصدیقات عالی داریم میبرایم اگر بیرونی بیروی خودمان را صرف کنیم از کار تصدیقاتی باز میمانیم و خانواده های ما هم که در اینها اندر دست داشتند که با کومک کنند و ضمیمت آنها طوری شده که نمیتوانند حالا با کومک بکنند خوب این یک مطالبی است ما نباید سراسری بگیریم اینها پول در این مملکت خرج میشود اگر یکمده معصل که با کومک خانواده ها رفته اند و مشغول تصدیقات شده اند و الان در مضیقه و محرت هستند بهیچوجه سزاوار نیست که ما ناظر حال آنها نباشیم و تا را در مضیقه زها کنیم بنده بهیچواسم

تقاضا کنیم از اولیای محترم وزارت فرهنگ که در این خصوص رسیدگی کنند اولاً ببینند آن شاگردانی که در آنجا دچار مضیقه هستند چه اشخاصی هستند و این اولیای آنها که اینجا هستند اگر واقعا استطاعت ندارند که بکنند که در مضیقه آنها را نگاه ندارند بقیه وقت خود را که به آقای بزرگ ابراهیمی بدهم

نایب رئیس - آقای بزرگ ابراهیمی بفرمائید

بزرگ ابراهیمی - بنده مدتی در این بودم بیکار گوش برادریهای خارجی میدادم دیدم بواسطه بواسطه عراق در آنجا تحریک و توجیع یک عده ای از کسانی که یک زمانی در آنجا دارند بیرون و بلازاده می گویند بنده نسبت به خود بعد از کرم قاسم یعنی ندارم کسیکه اوضاع را بهم زده است بقول آنها استوار نمیشد یعنی کسیکه در وسط بازی می کند در جای دارد و نه ندارد این یک اصطلاح سربازی که من میدانم ولی ببرد آقایان بیخورد که توضیح زیاد بدهم ولی برای اینکه توضیح شده است بیا که حداکثر زحمت را قبول میکنم و از گفتن بعضی مطالب خودداری نکنم که انشاء الله بطور مسالمت آمیز پیش بروم من تند نیروم ولی یک توضیح بدهم و از برادران روزنامه نویسی خواهش میکنم در عراقی هم تعریف نشود هر کدام هم که در لفظ اشتباه دارند از خودم بپرسید در آن زمان گذشته بین ایران و عراق یا دولت عثمانی قدیم یک مبادلات مرزی بود یک عده از مشایخ مرز نشین ایران می آمدند در حالی که ساکن عراق بودند برای بیلاق نشینی می آمدند یک عده ای هم ایرانی بودند که برای قشلاق نشینی بران میرفتند جناب آقای دکتر کبان استدعای کنم یادداشت بفرمائید این سوابق در وزارت خارجه است با اولیای آن وزارتخانه تذکر بدهید و معلوم است که در جریان بوده ام می دانم اینها خانواده بلباس هستند بلباس یعنی فلامه های دوره ساسانی که بر رسم رمن ها بدون بلباس پیش مرگ پادشاه بودند طوایفی که از خاک عراق بایران می آمدند برای بیلاق نشینی مثل جات که حالاهم می آیند سبیل عراقی هم دارند در مرز ایران بین اورامان و مروان و سز می آیند در بیلاقات و استفاده از بیلاق میکنند بعد برمی گردند چند تیرم هم از هر کی سینه سرور شده - سرهانی - سورچی هستند که آنها از خاک عراق در منطقه زاخورد دست زاخو قشلاق نشینند و دارای سبیل عراقی هستند ببالک ایران می آیند در منطقه قنبر بزرگ بین اشیویه و خانه استفاده بیلای میکنند بزمی کردند و در مقابل اینها هم یک عده ای داریم که در ایران هستند که برای قشلاق نشینی هر سال بران میرفتند که

آنها را یکی یکی میشد هم برایتان از جنوب شروع میکنیم بایران سران ما شنبه اجاق کا کاخضر رودی مرمکنه با باز سوله آکو خوشناب سن رملک اینها عشاری هستند که در ایران متوطن بوده اند و در وقت پادشاه ایران بودند و هستند در عراق هستند و بنام قشلاق نشین زندگی می کردند روسای اینها همیشه از طرف ایران معین میشدند مثل اینکه روسای جات از طرف عراق آنها تعیین شدند در دوره گذشته آقای فلاح هر کی که در خاک ایران بیلاق را شروع کرد و هم مجلس شورای ملی عراق بود چون در وقت عراق بود بعد از سوم شهریور گرفتاری وقتی زیاد شد عراقی ها اربابها ایشان خیلی بهشان علاقمند بودند بچشم دشمنی نگاه میکردند و با آنها بچشم دوست و رفیق از این برادران ایرانی بواسطه بواسطه جوی گیری کردند و بتدریج گفتند یا باید سبیل عراقی بگیریم یا باید از این جا برویم دولت ایران هم تا سال ۳۲ و ۳۳ گرفتاری آن تشنجات را داشت و وقتی که باین کارها صرف کند نداشت الان پیش از اول زهرام میرفته بنیخواهم ادامه بدهم ولی مدرك همین عراقی بنده است هر وقت هم لازم باشد در اختیار وزارت خارجه بخواهم گذاشت این طوایف شکایت میکنند که از طرف دولت تازه خود ساخته با ابدت خارجه ساخته آقای استوار نیز تم عبدالکریم خان بهما زحمت وارد می آورد فشار وارد می آورد و نمیکند که ما راحت زندگی کنیم این اشخاص حداکثر در حدود صد هزار نفر میشد (مهران) دولت باید بشدید آمو گیری کند بنده میخواستم این توضیح را بجناب آقای معاون پارلمانی نخست وزیر عرض کرده باشم اولاً این سوابق در وزارت خارجه موجود است بفرمائید یک عده ملیت اصیل ایرانی از نژاد بلباس از خانواده های کرد که برادران عزیز ماملت ایران هستند و بدنه تان یک عده ای تحریر شده آن راهم جز خودش دانسته و بگوید که کرده ام من است، تو اگر و تا از بیخه بر نشده، اگر اینها هم که کرد از بیخه بر نشده، اگر اینها هم از تو است آنهائی که مال ایرانند می آیند پیش تو قشلاق نشینی میکنند برای خودت سوابق ولی بعضی خدا و اش کن که بزند گمانی گوشه دار و زحمتی خودشان مشغول باشند و تابستانها هم بیایند نوی مملکت خودشان عرض بنده این بود

۴ - تقدیم یک فقره سؤال

بوسیله آقای عرب شیبانی

نایب رئیس - آقای عرب شیبانی بفرمائید

عرب شیبانی - بنده سؤالی از آقای وزیر فرهنگ راجع بساختن دانشگاه شهراز دارم تقدیم مقام ریاست میکنم

۴ - اعلام تصویب صورت مجلس

نایب رئیس - چون اکثریت هست تصویب صورت مجلس اعلام میشود

۵ - مذاکره در گزارش کمیسیون دادگستری راجع بروابط مالک و مستأجر از ماده ۱۲ تا ماده ۱۸

نایب رئیس - وارد دستور میشویم بطوریکه آقایان مطلع هستند در جلسه گذشته گزارش مربوط به روابط مالک و مستأجر تمامه ۱۱ تصویب رسید فعلاً ماده ۱۲ مطرح است ماده ۱۲ قرائت میشود

(شرح ذیل قرائت شد)

ماده دوازدهم - طرز رسیدگی و مرجع رسیدگی باختلاف ناشی از این قانون از قبیل تنظیم و تسخیر و بطلان اجاره نامه و تخلیه و ارجاع بدواری دادگاههای بخش محل وقوع ملک است و بجز از موارد که در این قانون استثناء شده احکام صادره از این دادگاهها فقط قابل پژوهش در دادگاههای شهرستان میباشد تبصره - در مورد اطانهای استیجاری حکم دادگاه بخش قطعی و لازمالاجرا است (صدرزاده) بخش محل وقوع این (وار) ضبط است باید بخش محل وقوع باشد (مهندس دهستانی - اینجا خوانند) (نایب رئیس) آقایان که ماده ۱۲ تصویب شد ماده ۱۳ مطرح است (شرح ذیل قرائت شد)

ماده سیزدهم - دادگاه در مورد اختلاف موجر و مستأجر نسبت بمیزان مال الاجاره و یا شرایط آن باید برای تعیین اجاره بها با تعیین میزان اجاره بها را به نرخ عادلانه روز تعیین نماید و نسبت بشروط اجاره اگر قبلاً اجاره نامه تنظیم شده باشد شرایط را مطابق همان اجاره نامه سابق و الا طبق شروط متعارفه در اجاره نامه تعیین کند

نایب رئیس - چون اظهار نظری نسبت باین ماده نیست لذا رای گرفته می شود آقایانی که موافقت قیام بفرمائید (اکثر قیام نمودند) تصویب شد

ماده چهاردهم - مطرح است قرائت میشود

(شرح ذیل قرائت شد)

ماده چهاردهم - در تمام مدتی که دادگسی در جریان است مستأجر باید طبق ماده پنجم این قانون و شرایط قبلی مال الاجاره را بپردازد و از تاریخ ابلاغ حکم قطعی دادگاه طرفین مکلفند ظرف

یکماه به ترتیب مقرر در حکم دادگاه اجاره نامه تنظیم کنند چنانچه ظرف مدت مقرر حکم اجاره نامه تنظیم نشود به تقاضای یکی از طرفین دفتر دادگاه رونوشت زای را جهت ثبت آن حکم بدو دفتر اسناد رسمی ابلاغ و به طرفین ابلاغ میکنند که در روز وساعت معین برای امضای اجاره نامه در دفتر خانه حضور بهرسانند چنانچه موجود حاضر با امضای اجاره نامه نشود نماینده دادستان اجاره نامه را از طرف موجر متنوع امضاء خواهد کرد و اگر مستأجر تا مدت دو روز برای اجاره نامه حاضر نشود به تقاضای موجر همان دادگاه دستور تخلیه عین مستأجر را صادر می نماید

نایب رئیس - چون اظهار نظری نسبت باین ماده نیست لذا آقایان موافقت قیام بفرمائید (اکثر قیام نمودند) تصویب شد ماده ۱۵ مطرح است (شرح ذیل قرائت شد)

ماده پانزدهم - وزارت دادگستری از بین کارشناسان رسم و یا اشخاص ذی صلاحیت عده ای را بسمت کارشناس برای تعیین میزان اجاره بها و همچنین از اشخاص صلاحیتدار در امور ملکی و باصنافی عده ای را بسمت داور مشترک در هر سال انتخاب و بدادگاهها معرفی مینماید طرز تعیین و شرایط و میزان حق الزحمه کارشناسان و داوران بموجب آییننامه ای است که وزارت دادگستری تنظیم مینماید و به موقع اجراء می گذارد

نایب رئیس - رای گرفته می شود ماده پانزدهم آقایان موافقت قیام بفرمائید (اکثر قیام نمودند) تصویب شد ماده شانزدهم قرائت می شود (شرح ذیل قرائت شد)

ماده شانزدهم - در مواردیکه حکم بر تخلیه صادر می شود دادگاه در حکم خود بر حسب مورد مهلتی که از ده روز کمتر و از دوماه تجاوز نخواهد کرد برای تخلیه تعیین می نماید

نایب رئیس - رای گرفته می شود ماده ۱۶ آقایان موافقت قیام بفرمائید (اکثر قیام نمودند) تصویب شد ماده ۱۷ قرائت می شود

فصل هفتم - موارد مختلفه

ماده هفدهم - حق کسب و پیشه و باکار بمسافر همان محل اختصاص دارد و از تاریخ اجرای قانون انتقال آن فقط با تنظیم سند رسمی قانونی شناخته می شود

نایب رئیس - آقای صدرزاده بفرمائید

صدرزاده - عرض کنم که نظر اکثریت اعضای محترم کمیسیون دادگستری بر این بوده است بعد از این که حق کسب و پیشه و کار برای مستأجر مستقلات تشخیص دادند گفته این اشغال باید بصورت سند رسمی بیرون بیاید و تصور میکنم که نظر

آقایان این بود کسی که بعنوان سرقفلی حق بهره دارد، عایدات دارد بعنوان عواید و درآمد اتفاقی مالباشر را هم بدو کسب و (صبح است) در این باب عرضی ندارم ولی اینجا یک مطلب دیگری مطرح هست که من تقاضای حذف آن ماده و ماده بعدیش را کردم و از این نقطه نظر است که عرض میکنم تا بنابینم نظر جناب آقای ممبر محترم کمیسیون جناب آقای معاون وزارت دادگستری چیست و در این باب چه نظری دارند بنده اینطور احساس می کنم وقتی شما این حق را با تنظیم سند رسمی قابل انتقال دانستید این عیب پیدای می شود که ممکنست این مستأجر محل حق سرقفلی را به یک شخص ثالثی انتقال بدهد آنوقت بجای مالک و مستأجر مسافر میشوند یعنی یک درد کم را درد دیگری به آن اضافه می شود، یکی مالک، بگو، مستأجری که ساکن است یکی هم میشود منتقل الیه چون بنده حق بهره و کسب دارم، توجه بفرمائید چون اینجا بطور مفصّل نوشته که هر آدمی در یک دکانی در مغازه ای هست این حق بهره دارد و بگوید که او میتواند به موجب سند رسمی بدیگری انتقال بدهد نکته بنوعر انتقال بدهد یا بشخص ثالثی انتقال بدهد اینجا همینطور مطلق نوشته است ولی خودش نوشته باشد در دکان آن روزیکه موجبات تخلیه پیدا می شود مطابق قانون و این مقرراتی که یکی از این مواردش دادن حق بهره بود باین آدم، این آدم که حق بهره را داده بود به یک شخص دیگری اگر بدهد به آن منتقل الیه این که نمیشود، این اشکال بزرگی است که در این ماده موجود است بنده می خواستم این تذکر را بدهم به آقایان و تقاضای حذف این ماده ۱۷ را کرده ام بعد ماده ۱۸ می آید این نکته را خواش می کنم خیلی دقیق توجه بفرمائید جناب آقای دکتر عاملی که بعد از این اشکال حتماً پیش خواهد آمد برای اینکه بعد از آنکه شما حق را برای مستأجر قائل شدید و کفایت میتواند این حق را باشد رسمی بر گذار کند ممکن است به شخص ثالثی بدهد خودش هم در دکان نشسته است در سند رسمی هم نوشته معتمد مستأجر فلان دکان حق بهره و کسب و با کار خودش را به نمی صلح کرد یا با او را گذار کرد، بفلان مبلغ او سرقفلی خودش را بدیگری بر گذار کرده است و محل مورد اجاره را بدیگری انتقال داده است که شخص ثالثی می شود و اگر شما بخواهید موجبات تخلیه فراهم شود و این مستأجر تخلیه بکند مطابق این مقررات تازه این خودش یک اشکالی تولید می کند و از این نقطه نظر است که بنده خواستم جناب آقای دکتر عاملی این قسمت را روشن کنند

نایب رئیس - آقای دکتر عاملی بفرمائید

معاون وزارت دادگستری (دکتر عاملی) - جناب آقای صدرزاده مطالبی که صحبت فرمودید روی توجه بسیار دقیقی است که فرمودید و اگر احتیاجی داشت که این مطالب توضیح داده شود، حق بود در شور اول میفرمودید که این مطلب بیشتر مورد توجه واقع شود اما بنظر بنده احتیاجی نیست بنابراین که عرض میکنم در موارد دیگر انتقال ملک فقط انتقال اجاره از مستأجر به مستأجر دیگر پیش بینی شده است در ماده ۱۸ بهیچوجه انتقال ملک بصورت دیگری از دست مستأجر پیش بینی نشده است و مستأجر وقتی حق کسب و پیشه خودش را انتقال داد میتواند کسی که با او انتقال داده بگوید این فرضی که جناب عالی میفرمائید که مستأجر حقش را یعنی مورد اجاره را به یک کسی انتقال بدهد و حق پیشه و کسب را بدیگری انتقال بدهد این کار بهیچوجه در این قانون پیش بینی نشده است و امکان این مطلب را هم نیابستی فرض کرد همانطور که عرض کردم مستأجر میتواند به مستأجر بعدی این را انتقال بدهد زیرا انتقال در مدت اجاره ممکن است و اگر نظرتان باشد انتقال در مدت اجاره ممکن است و بعد از مدت اجاره اگر مستأجر بخواهد انتقال بدهد باید اول اجاره را تجدید کند مال الاجاره جدید تنظیم کرد بعد انتقال بدهد بنا بر این این فرضی که جناب عالی میفرمائید طبق مقررات این قانون ضرورتی پیدا نمی کند که مستأجر حق کسب و پیشه را بیک نفر و منافع ملک را بنفر دیگری انتقال بدهد و این ماده هم البته باید باشد برای اینکه کسی که ملکی را انتقال میدهد باشد رسمی انتقال باشد و بداند که چه کسی است البته اگر عواید انتقالی هم از این راه بدست آید عواید دولت محفوظ خواهد بود

نایب رئیس - آقای فخر طباطبائی توضیحی دارید بفرمائید

فخر طباطبائی - بنده با توضیحی که جناب آقای معاون وزارت دادگستری دادند فارغ ولی خواستم به جناب آقای صدرزاده این توضیح را بدهم که این ماده یکی از مواد خوب این لایحه و لازمه داشتن حق انتقال است و اگر این حق را داشته باشند و نتوانند انتقال بدهند پس حتی برای مستأجر شناخته نشده و بنا بر این بنده فکر نمیکنم موردی برای حذف این ماده باشد

نایب رئیس - چون دیگر درخواستی نیست در این ماده نشده است (صدرزاده) - شده است) بفرمائید

صدرزلزاده - این نکته را جناب آقای دکتر عاملی فرمودند بنده توجه داشته ام این یک اصلاحاتی است که بنده در این قانون تقدیم کرده ام در صفحه سوم می نویسم که ماده ۱۷ از گزارش کمیسیون حذف شود و بجای آنجا بصره ۲۰ ماده ۱۸ عبارت ماده ۲۷ از لایحه دولت فرار داده بشود بنده عتاب داشته ام و این نظری که الان تشریح کرده ام در نظرم بوده است و در پیش نهادی هم که داده ام حذف آن را تقاضا کردم و کمیسیون دادگستری آن را حذف نکرده است که الان بنظر مجلس برگذار میکنم

نایب رئیس - چون درخواست حذف این ماده شده و قبلاً پیشنهاد کرده بودند و در کمیسیون قبول نشده است لذا ماده ۱۸ را مطرح می کنم و بعد از در وقت رأی یک مرتبه بعد رأی خواهیم گرفت و یک مرتبه هم بدون حذف فلاماده ۱۸ مطرح است (همیند نوری) همین الان ممکن است رأی بگیریم نوری خود ماده) آقای ممبر توضیحی دارید بفرمائید

عهمدلی نوری (ممبر کمیسیون) - بنده تصور می کنم با اضافه کردن جمله ای منظور آقای صدرزاده تأمین شود این نظری که جناب آقای صدرزاده زاده فرمودند گرچه همانطوریکه روح قانون است در ماده ۱۸ هم هست که بگوید مستأجر جدید در مدت اجاره اجازه داده می شود اما برای رفع ابهام هیچ اشکال ندارد که عبارت را اینچنین کنیم که حق کسب و پیشه و کار بمسافر همان محل اختصاص دارد و از تاریخ اجرای این قانون انتقال آن مستأجر جدید فقط با تنظیم سند رسمی قانونی شناخته می شود پس یک کلمه مستأجر جدید بعد از (انتقال آن) رفع این ابهام را می کند و بنظر من یک ماده بسیار اصلی و ضروری است برای اینکه اساس شناختن حق کسب و پیشه و کار است و از آن طرف هم مقیدشان کردیم با تنظیم سند رسمی برای اینکه در قانون مالیات بر درآمد از اینگونه عوایدی که اتفاقاً برای شخص حاصل می شود و میزانش هم زیاد است باید مالیات گرفته شود و وقتی قانون مالیات بر درآمد مطرح بود آن روز چون هنوز حق کسب و پیشه و کار شناخته نشده بود من خودم اقدام کردم که نباید ذکر بشود ولی حالا که هست باید تصریح شود که مشخص بشود حق کسب و کار چند روجه دارد تا مالیات دولت وصول بشود بنا بر این با اضافه کردن بعد از انتقال بمسافر جدید این شبهه رفع می شود و خیال می کنم که آقای صدرزاده هم موافق باشند و رأی اصل لایحه بدهند بنده و جناب آقای دکتر عاملی با اضافه کردن جمله مستأجر جدید موافق هستم

دکتر عاملی - بنده هم موافق **نایب رئیس** و آقای صدرزاده پیشنهاد را اسعز داد. فرمودند بنابر این رأی می گیریم. ماده ۱۷ - با این اصلاح که از طرف آقای **عزیز** با موافقت آقای معاون وزارت دادگستری بعمل آمده که جمله «بستانار جدید بعد از (انتقال آن) اضافه بشود ناجای شبهه ای نباشد» بنابر این بک مرتبه دیگر با اصلاح قرائت بشود.

(شرح ذیل قرائت شد)

ماده ۱۷ - حق کسب و پیشه و کار بستانار همان محل اقتصاد دارد و از تاریخ اجرائی این قانون انتقال آن بستانار جدید فقط با تنظیم سند رسمی قانونی شناخته می شود.

نایب رئیس - رأی می گیریم ماده ۱۷

با این اصلاح آقایان موافقت قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد. ماده ۱۸ قرائت می شود.

(شرح ذیل قرائت شد)

ماده ۱۸ - مستأجر محل کسب و پیشه و یا کار می تواند محل مزبور را تغییر انتقال دهد مشروط باینکه اولاً مستأجر جدید به همان کسب و پیشه و یا کار مشغول شود که در اجاره نامه قبلی گردیده و ثانیاً مدت اجاره جدید از مدت اجاره اصلی تجاوز ننماید.

مستأجری که می خواهد کسب و پیشه و یا کار را بدیگری بطریق فوق انتقال دهد باید بوسیله اظهارنامه موجر را به همان دفتر اسناد رسمی که اجاره نامه اصلی را تنظیم نموده برای روز وساعت معین جهت شرکت در تنظیم اجاره نامه دعوت نماید.

چنانچه موجر یا نماینده قانونی او در وقت مقرر حاضر نشد سند انتقال از طرف دفتر خانه تنظیم و مراتب در آن تذکر داده خواهد شد.

در صورتی که مالک با انتقال محل کسب و پیشه و یا کار رضایت نهد مستأجر سابق و جدید متضامناً مسئول پرداخت مال اجاره خواهند بود.

تبصره ۱ - شرط سلب حق انتقال بقیر در اجاره نامه مربوط به محل کسب و پیشه و یا کار بدون اثر است.

تبصره ۲ - در صورتی که مال اجاره جدید زیادتر از مال اجاره مستأجر قبلی باشد نصف ماهه التفاوت مال اجاره اصلی افزوده خواهد شد که مالک حق مطالبه آنرا دارد.

نایب رئیس - آقای دکتر دادفر

بنظر بنده ماده ۱۸ آن فلسفه و اساسی را که این قانون در اولین دفعه در قوانین ایران برقرار کرده است متزلزل نمیکند و با این تفاوت و اختلافات شدیدی بین مالک و مستأجر در باره حق سر قفلی باز نمیکند باین ترتیب بایاید اصولاً حق سر قفلی را حق مستأجرین بشناسیم با حق مالک کسب و یا به نسبت یعنی حق این دو آنچه از مفاد این

قانون معلوم است در این قانون از طرف دولت یا از طرف کمیسیون این حق مثل این است که مال مستأجر شناخته شده است اگر پایه و اساس را این قرار بدهیم که حق سر قفلی مال مستأجر است در این صورت ماده ۱۸ عملاً این منظور را از بین میبرد چطور میگوید مستأجر محل کسب و پیشه و یا کار می تواند محل مزبور را بشیر انتقال دهد مشروط باینکه اصولاً مستأجر جدید به همان کار کسب و پیشه مشغول شود که قبلاً در آنجا بوده آن آدم انتقال می تواند بدهد پس از حق کسب و پیشه اش هم می تواند استفاده کند اگر کسی داروخانه ای دارد در خیابان وقتی می تواند از حق کسب و پیشه اش استفاده کند که دوباره بداروخانه اش اجاره بدهد حالا خواهند گفت که در ماده ۱۹ گفته است که اگر مستأجر جدید خواست بشیر اجاره بدهد باید موافقت کتبی موجر را بگیرد همین است که موجب اشکال میشود و تولید مناقشه میکند بنظر بنده وقتی گفته شد موافقت کتبی موجر این خودش موجب مناقشه میشود برای جلب موافقت کتبی موجر و حالا شبلی بهتر بود که بگوید نصف این حق سر قفلی مال موجر و نصف دیگرش مال مستأجر می شود هیچ زودری باستی، قانون باستی تکلیف مردم را روشن کند و این عمل صحیح نیست قانون نباید برای مردم ایجاد مناقشه کند مستأجر یکسال بدو پیش موجر بگوید من موافقت کتبی می خواهم تا دکان را بفروشم به بزاز می گوید اگر از این حق سرب قفلی نصفش را بمن دادی موافقت می کنم چه بسا تمام آن حق را بخواهد چه بسا نه دهم آن حق را بخواهد چه بسا تمام را بخواهد بنده نمایانم بنابر این اگر این حق مال مستأجر است موافقت موجر چیست و اگر مال مستأجر نیست مستأجر چطور حق پیشه و کسب و یا کار دارد این یک مطلب، مطلب دومی که در اینجا بنظر بنده می رسد یک تمایزی است بین ماده ۱۸ که الان تصویب شد با ماده اول این قانون و ماده ۱۸ با آن اشاره کرد ما در قانون ثبت اسناد یک ماده ۶ و ۷ داریم و طبق این مواد معاملات راجع باملاک ثبت شده و غیر منقول باید با سند رسمی باشد. این قسمت در قانون ثبت تصویب شده ولی در ماده اول اینجا اجازه داده ایم در مورد اجاره بهتر ترتیبی اهم از اینکه سند رسمی باشد یا عادی و غیر آن اجازه است در ماده ۱۷ تصویب اصل اجاره را با سند عادی اجازه داده ایم ولی در مورد حق کسب و کار و پیشه و کسب و پیشه رسمی باشد. حالا چه میشود؟ آن نتیجه اش این میشود که بنده میروم یک مثالی را با سند عادی اجاره می کنم اما برای فروش وسر قفلی باید سند رسمی تنظیم کنم، خوب این سند رسمی که خودش حاکی از سند اجاره است اصلاً فلسفه تنظیم سند رسمی را در امور غیر منقول

تومان بوده و تو پنججاه تومان میدهی. این بیچاره این قدر باید برود بر اینکه ثابت کند تمام مشکلاتی که الان در باب اجاره در ملکیت پیش آمده و این اختلافات و مناقشات را درست کرده بنظر بنده بیشتر ناشی از این است که اسناد دست مردم اسناد رسمی نیست. یک کسی زلفه است بطور امانت نوشته گفته آقایان اجازه داده اند تمام این دعوی از این بوجود آمده که نظم سند رسمی را ملزم نکرده ایم که مردم با سند رسمی روابطشان را روشن کنند. این است که این خوب روشن نشده است یک مطلب دیگری هم بوده است بعضی از مالکین و موجرین که دارای املاک زیادی بوده اند و آنجا از یک حدی که تجاوز میکرد طبق قانون مالیات بر مستغلات می بایست اجاره بدهند قائل به تنظیم اجاره نامه رسمی نیستند برای اینکه در تنظیم اجاره نامه رسمی تمام شروط مال اجاره و در ریانت و پرداخت آن روشن است بطور عادی اجاره می دهد و در نتیجه آن تقریباً صدی مالیات را که باید بپردازد نمی پردازد یعنی مالکین روی خوشی باین سند رسمی نشان نمیدهند علاوه هر وقت خواستند برای مستأجر آقامه دعوی کنند اگر مستأجر سند رسمی داشت خیلی آسان تر می تواند با اصلاح مستأجر بودن خود را ثابت کند. اگر سند نداشت هزار جور شک و تردید هم ممکن است پیش بیاید اینجا ما تصویب حق سر قفلی و کسب و کار را گفتیم این باید با سند رسمی باشد و حق اجاره و استجاره گفتیم می تواند با سند عادی باشد بقیه بنده این دو ماده با هم معارض است و آن مواد ۶ و ۷ قانون ثبت را از بین میبرد. بنابر این باین ترتیب بنده مخصوصاً از جناب آقای دکتر عاملی تمنی دارم که این مطلب را تمیم بدهند که بعد از تصویب این قانون اجازه نامه هالی که رسمی تنظیم نشود بر طبق مواد ۶ و ۷ قابل ترتیب اثر نباشد. حالا ممکن است یک ایراد بشود چون بنده پیشنهاد کردم و در کمیسیون بعضی از آقایان نظرشان این بود که در این اجاره های کوچک یک اطاق و دو اطاق اسباب زحمت مردم است که بروند دفتر خانه و سند تنظیم کنند. بنده جواب اینرا می خواهم عرض کنم. این راحتی و تسهلی که در تنظیم سند رسمی است از آن ناراحتی روزهای اول که برود در دفتر در معترض یک اطاق و دو اطاق خانه را اجازه کنند بهتر است بیشتر است برای این که یک کسی که می رود در روز یکبار که یک خانه یا اطاق یا مغازه ای اجاره کند اشکالی ندارد که در دفتر معترض برود معترض برای اینکه روابط خودش را برای همیشه با موجر بر اساس صحیحی قرار بدهد تا اینکه یک سند رسمی باشد با اعتبار اینکه من آنتم اشتتم فرمایم بعضی اینکه اختلاف پیش بیاید موجر میگوید که مال اجاره صد

را اجازه می کنند بندهم در قانون اینجا حق داده اند بستانار که اگر برای همان مورد همان شغل که در اجاره نامه قید است خواست منتقل کند فقط یک اظهارنامه می فرستد اگر مالک حاضر شده که هیچ اگر نشد قانون برای دفتر خانه تکلیف تعیین کرده که بتواند این را منتقل کند و در انتقال نامه قید کند که موجر هم حاضر نشد یا موافقت نکرد ولی اگر آمد و خواست محل کسب را یعنی حق کسب خودش را منتقل کند به یک مستأجر دیگری که آن مستأجر یک کار دیگری می خواهد بکند گاهی این ممکن است آنکاز مطابق عقیده مالک نباشد و مالک بایند این حق را داشته باشد که موافقت نکند باز هم ملاحظه فرماید اینجا آمدن طرف مالکین را گرفته اند گفته اند که اگر بریزان مال اجاره بالا رفت نصفش را مالک حق دارد بگیرد ملاحظه فرماید این هم که همکار معترض بنده آقای دکتر دادفر راجع به سند رسمی و غیر رسمی و تناقض با ماده اول صحبت کردند ماهه اش نباید در نظر بگیریم که یک کسی می خواهد یک حیاط اجاره بگیرد یا مغازه و آپارتمان. این قدر در همین شهر تهران گفته می گویند تهران خیلی پیشرفت کرده است این قدر خانه هائی هست در جنوب شهر در شرق در غرب و در همین شمال آن خانه هائی است که صد متر بیشتر نیست و هفت تا نوزده زمین و بالا خانه دارد و اینها را اطاق اطاق اجاره میدهند بنده با صراحت می خواهم عرض کنم اگر اینها را هم مشمول اسناد رسمی بکنند دیگر معارض نمیتوانند سرشان را بیاورند این است که به نظر بنده توجه کافی شده و حق برای مستأجر قائل شده اند ما بطوریکه مثال زده شد آمدید اینجا را برای داروخانه اجاره کردید حالا هم بداروخانه اجاره بدهید ولی اگر خواستید بیک کسی دیگری اجاره بدهید آنرا باید مالک موافقت بکند (صحیح است) بنابر این نباید به ما مجبور کرد برای ثبت در دفاتر رسمی اصلاً اشخاصی هستند که با صاحبخانه که هیچ چیز حالیشان نیست وقت ندارند و با وقتشان ارزش دارد به بطوری توافق می کنند و هر وقت هم اختلاف پیدا کند هیچ وقت بداد گستری نمیروند.

نایب رئیس - آقای صدرزاده

صدرزاده در این ماده ۱۸ گزارش کمیسیون معترض داد گستری یک قسمتی از مصلحت رعایت شده نه تمام آن این نکته بسیار صحیح است چنانچه وقتی مغازه یا منزل خودتان را اجاره میدهند برای شغل خاصی اجاره میدهند بنابر این اگر مستأجر بخواهد سوه استفاده کند و آنرا اختصاص بدهد بیک شغل دیگری موجب ناراحتی مالک را فراهم خواهد کرد فرض کنید یک شخصی در قسمت تقاضای منازش مغازه هائی دارد که اینرا داده است به طبع و هفت

و کافد این برود تبدیل کند بعد آن هنگری و آسایش اهل خانه را از بین ببرد پس این شرطی را که کمیسیون معترض کرده اند عرض کردم قسمتی از مصلحت رعایت کرده اند نه تمام مصلحت را اما تمام مصلحت بنده بار دیگر عرض میکنم بواسطه این سانه ای که برای دستم پیش آمده در شور اول نتوانستم در تمامی جلسات شرکت کنم و از شورانی آمدم و نسبت بقوانینی که می گذرد صرف وقت میکنم و در حدود هفت هجده پیشنهاد دادم و بسیاری از آنها را هم کمیسیون معترض قبول نکردند ولی در بعضی از آنها توافق نظر حاصل نکردیم از جمله این ماده ۱۸ بود که این توافق نظر درست حاصل نشد بنده در این پیشنهاد خود تقاضا کردم که ماده ۱۷ حذف شود و بعد هم که اصلاح فرمودند بنده با ماده ۱۷ مخالف بودم ولی تقاضای حذف نکردم و پیشنهادم را استرداد کردم اما راجع به ماده ۱۸ در آنهم راجع بقصده خود ماده تقاضای حذف کرده ام این تقاضای بنده منطبق بوده است با تقاضای وزارت داد گستری این لایحه است که وزارت داد گستری داده است بنده نظری که بندهم بی مآخذ و مبتنا نیست ممکن است وزارت داد گستری از نظر خودش عدول کرده باشد ولی بنده از نظر قضائی خودم کمتر عدول میکنم این پیشنهاد مال وزارت داد گستری است مستأجر نمی تواند بدون موافقت کتبی موجر (خواه بوسیله اجاره نامه یا شرح جدا گانه) مورد اجاره را کاملاً یا جزئی بشیر اجاره دهد و در صورت مجاز بودن در اجاره بشیر باید با اطلاع شرکت موجر اصلی اجاره نامه تنظیم کند و مدت اجاره نباید از مدت اجاره اصلی تجاوز نماید و چنانچه بدون موافقت موجر اصلی اجاره بدهد موجر مزبور حق دارد از دادگاه حکم بتخلیه ملک را بخواهد و حکم دادگاه در این مورد قطعی است در صورتیکه اجاره بهای دست دوم بیش از اجاره بهای مستأجر اصلی باشد موجر حق دارد اضافه شدن مبالغی را بجزان اجاره مزبور از مستأجر خود بخواهد و در صورت عدم توافق طرفین بدخواست موجر دادگاه حکم آن میدهد. مستأجر برای شرکت دادن موجر در اجاره دادن بشیر باید بوسیله اظهاریه موجر را دعوت کند. چنانچه موجر ظرف ۱۵ روز از تاریخ وصول اظهاریه جواب ندهد و یا امتناع از شرکت نماید، مستأجر در صورت داشتن حق واگذاری در اجاره دادن بنیز مجاز خواهد بود. بنده پیشنهادیکه کردم این است که این ماده ۱۸ و تبصره آن که در آن صحبت خواهم کرد تبدیل شود باینکه ۲۷ پیشنهادی خود دولت البته یک اساسی در تنظیم آن لایحه دولت وجود دارد و آن این است که موکول به اجازه موجر در تمام موارد ولی قانون مدنی اینطور نیست، قانون مدنی میگوید وقتی کسی ملکی را اجاره بدهد و قید نکرده باشد که بدیگری اجاره ندهد این مجاز محسوب میشود توجه فرمایید یعنی اگر شرط کرده باشد و با مسکوت بماند حق اجاره بشیر دارد فقط در یک مورد حق ندارد و آن وقتی است که انتقال ممنوع شود و بنده هم در جلسه گذشته که صحبت کردم این مطلب را تشریح کردم در قانون مدنی باز ماده ای هست که موجر و مستأجر میتوانند راجع به این مسائل قراردادی به بنفند که اجازه نقل را بدون اجازه موجر بدهد. بعضی از رفقای عزیز که خیلی در نزد من عزیز هستند میگویند قانون مدنی هم یک قانون عادی است چه اشکالی دارد که اصلاح بشود. قانون مدنی هم ظاهرأ یک قانون است درست است که یک قانونی است عادی ولی این جوری هم مثل قانون باندرل نیست که ما هر روز عرض کنیم یک تکلیف شدیدی به قانون اساسی دارد. اگر نظر آقایان باشد در قانون اساسی ماده ای هست که میگوید قوانینی که بتصویب مجلسین میرسد باید مغالفتی با شرع اسلام نداشته باشد. این را داشته باشید، یک نکته دیگری این است که ۱۴ قرن است که حقوق و مقررات ما مقررات اسلامی است و همین مقررات و قوانین اسلامی به صورت خود آقایان جواب داده خواهد شد بنده سعی می کنم با اختصار بگویم برای اینکه وقت مجلس را کمتر گرفته باشم بنظر جناب آقای دکتر دادفر در مورد اینکه اگر ما موافقت کنیم که یک مستأجر بتواند ملکی را که اجاره کرده است بستانار دست دوم برای کار دیگری جز آنچه خودش بآن منظور اجاره کرده است اجاره بدهد اگر ما موافقت با این معنی بکنیم حق سر قفلی تخفیف پیدا خواهد کرد و بنده عرض میکنم اصلی که در این قانون رعایت شده است این است که ملک برای هر منظوری که اجاره شده باستی نظر مالک از هفتی که در اجاره دارد رعایت شده باشد (صحیح است) اگر برای آهنگری اجاره داده است به آهنگری باشد مگر اینکه مالک موافقت کند برای شغل دیگری و اگر برای نانوائی است همین طور و اگر برای مشاغل دیگری است همیشه آن مشاغل در آن ملک باقی باشد و بنده می است که اگر به نظر مالک یک کسی برای بزرگی و فروش اجاره کرده بود و در عمل طوری شد که نتوانست آنجا را به جواهر فروشی اجاره بدهد مسلم است که یک سر قفلی فوق العاده ای ممکن است باو داده شود ولی بکن از مطالبی که در مورد سر قفلی در ماده ۹ قید کرده بودیم شروط اجاره نامه بود شرایط اجاره نامه در میزان سر قفلی تأثیر فوق العاده دارد اگر بخواهم

خانه باشد خواه مستأجر منازع باشد و یا خانه در این چند ساله در نتیجه تغییر که در قیمت ها پیدا شده بسیاری از مستأجرین مغازه ها هستند که امروزه از متولترین اشخاص هستند یعنی خودشان علاوه بر اینکه هنوز مستأجر صاحب املاک و مستغلات زیادی هستند این هم هست علاوه بقن و قانون گذار باید نظرشان را طوری تهیه کنند که متدل باشند و جنبه عمومی داشته باشد و یک دسته یک جور درست نیست. معروف است که میگوند نظام السویه عمل است. ظلم هیچوقت عدل نمیشود. اما وقتی حالت تساوی پیدا کرد خود این حالت تساوی مدوحیت دارد و الا ظلم هیچوقت مدوح نیست و چقدر بد خواهد شد وقتی این ظلم بصورت تبعیض باشد بنده در آن پیشنهاد خود تذکر داده بودم که ماده ۲۷ پیشنهادی دولت را جای ماده ۱۸ بگذارند و این تبصره شرط سلب حق انتقال در مورد پیشه و کار و کسب هم حذف شود این نظریات بنده بود که خواستم مستلاً عرض کرده باشم و دیگر نظری ندارم بپسته بنظر آقایان است.

نایب رئیس - آقای معاون وزارت داد گستری

دکتر عاملی (معاون وزارت داد گستری) - مطالبی که راجع به ماده ۱۸ گفته شد خیلی مفصل بود ولی چون از طرف خود آقایان جواب داده خواهد شد بنده سعی می کنم با اختصار بگویم برای اینکه وقت مجلس را کمتر گرفته باشم بنظر جناب آقای دکتر دادفر در مورد اینکه اگر ما موافقت کنیم که یک مستأجر بتواند ملکی را که اجاره کرده است بستانار دست دوم برای کار دیگری جز آنچه خودش بآن منظور اجاره کرده است اجاره بدهد اگر ما موافقت با این معنی بکنیم حق سر قفلی تخفیف پیدا خواهد کرد و بنده عرض میکنم اصلی که در این قانون رعایت شده است این است که ملک برای هر منظوری که اجاره شده باستی نظر مالک از هفتی که در اجاره دارد رعایت شده باشد (صحیح است) اگر برای آهنگری اجاره داده است به آهنگری باشد مگر اینکه مالک موافقت کند برای شغل دیگری و اگر برای نانوائی است همین طور و اگر برای مشاغل دیگری است همیشه آن مشاغل در آن ملک باقی باشد و بنده می است که اگر به نظر مالک یک کسی برای بزرگی و فروش اجاره کرده بود و در عمل طوری شد که نتوانست آنجا را به جواهر فروشی اجاره بدهد مسلم است که یک سر قفلی فوق العاده ای ممکن است باو داده شود ولی بکن از مطالبی که در مورد سر قفلی در ماده ۹ قید کرده بودیم شروط اجاره نامه بود شرایط اجاره نامه در میزان سر قفلی تأثیر فوق العاده دارد اگر بخواهم

